ولفرام کلایس

کاخهای صفوی[1]

ترجمهٔ احسان طهماسبی[2]

در دورهٔ صفویه کاخها و کوشکها و عمارتهای بسیاری ساخته شد که در امتداد سنت کهن کاخ‌سازی در ایران بود. اندکی از این بناها تا روزگار ما باقی مانده است، که می‌تواند ما را به نقشه و شکل و کارکرد این نوع بنا راهنمایی کند. پلان برخی از کوشکها چلیپایی و متشکل از سه قسمت است. برخی از کوشکها چهارگوش، برخی هشت‌گوش، و بعضی دیگر شانزده‌گوش است. بسیاری از کوشکها در میان باغ قرار گرفته است؛ برخی از آنها هم کوشکهای بین راهی یا منزلگاه شکار است. گاهی محوطهٔ کاخها محصور است و سردر و دروازه دارد. از معروف‌ترین آنها دولت‌خانهٔ صفوی در اصفهان و قزوین است که سردر مجلل هردو آنها عالی‌قاپو نام دارد. فضای داخلی بسیاری از کاخها مزیّن است؛ از رسمی‌بندی و مقرنس گرفته تا نقاشی روی گچ و ستونهای تراش‌خورده و منقوش و ... . معماری کاخهای صفوی بر معماری مناطقی در بیرون از ایران نیز که چندی در تصرف صفویان بود اثر گذاشت. نمونهٔ آن بعضی از کاخهای گرجستان و آناتولی است. معماری کاخهای صفوی از معماری اروپایی اثر نپذیرفته است؛ مگر در تزیینات. تأثر از تزیینات اروپایی که از دورهٔ صفویه آغاز شد، در دورهٔ قاجاریه به اوج رسید و دامنه‌اش به عناصری دیگر، چون ستون، نیز کشید.

امروزه بیشترِ کاخها و کوشکها و سراهای ساخته در دورهٔ صفویه از میان رفته است. بسیاری از آنها به‌ویژه در زمان استیلای افغانان بر اصفهان در سال ۱۷۲۲ از بین رفت. بقیهٔ آنها نیز یا به دست ویرانی سپرده یا دچار زلزله شد. ظاهر بسیاری از آنهایی که مانده نیز دچار تغییرات ساختاری شده است. خوش‌بختانه سیاحان اروپایی قرنهای یازدهم/ هفدهم و دوازدهم/ هجدهم طرحهای دستی و نقشه‌های بسیاری از این بناها از خود باقی گذاشته‌اند. بنا بر این، اگرچه دیگر نمی‌توانیم به کارکرد و نقشهٔ این بناها پی ببریم، دست‌کم می‌توانیم تصوری از ظاهر کلی آنها به‌دست آوریم.

با توجه به کاخها و بقایای به‌جامانده در اصفهان، قزوین، شهر های کوچک، و نواحی روستایی، می‌توان به اطلاعاتی دربارهٔ جزئیات نقشه و شکل و کارکرد کاخهای کوچک و بزرگ صفوی دست یافت.[3] معماری کاخهای صفوی، از جمله بناهای باقی‌مانده در اصفهان، حاکی از اوج پیشرفت در کاخ‌سازی ایرانی است.

در هنر ساختمان‌سازی در ایران، در سرتاسر دوره‌های فرهنگی این سرزمین، توجه بسیاری به سنت شده است. از این روست که نقش‌ونگارهای هخامنشی در معماری دورهٔ پارتها همچنان به‌کار می‌رفت و جزئیات ستونهای هخامنشی، مانند سرستون دوتایی به شکل سردیس حیوان، را هنوز در ساختمانهای تهران در قرن بیستم می‌توان دید. از این منظر، شگفت‌آور نیست که از اواخر دورهٔ ساسانیان تا اوایل دورهٔ اسلامی اصول سازمان‌دهی یکسانی متداول بوده است. معمولاً این اصولْ شکل ترکیبی سه‌بخشی متشکل از سه محور موازی را به خود می‌گرفت که گاهی نقشه‌ای محوری‌ـ چلیپایی می‌ساخت. این نظام را در صورت اولیه‌اش می‌توان در کاخهای منسوب به دورهٔ ساسانیان نزدیک سروستان[4] (ت ۱) و نزدیک دامغان دید (تاریخ ساخت کاخ سروستان هنوز دقیقاً مشخص نیست. لایونل بیر[(1)] دربارهٔ بازسازی فرضی‌ای که از این کاخ شده است شبهاتی را مطرح می کند). شکل جدیدتر و متداول‌تر پلان و توزیع فضاها را در کاخهای صفوی قرن یازدهم/ هفدهم، مانند [کاخ] علی‌آباد، نزدیک فُرک در جنوب ایران، می‌توان مشاهده کرد (ت ۲).[5] این [شیوهٔ کاخ‌سازی] بعدها به معماری قاجارِ قرن سیزدهم/ نوزدهم به ارث رسید.

(1) Lionel Bier

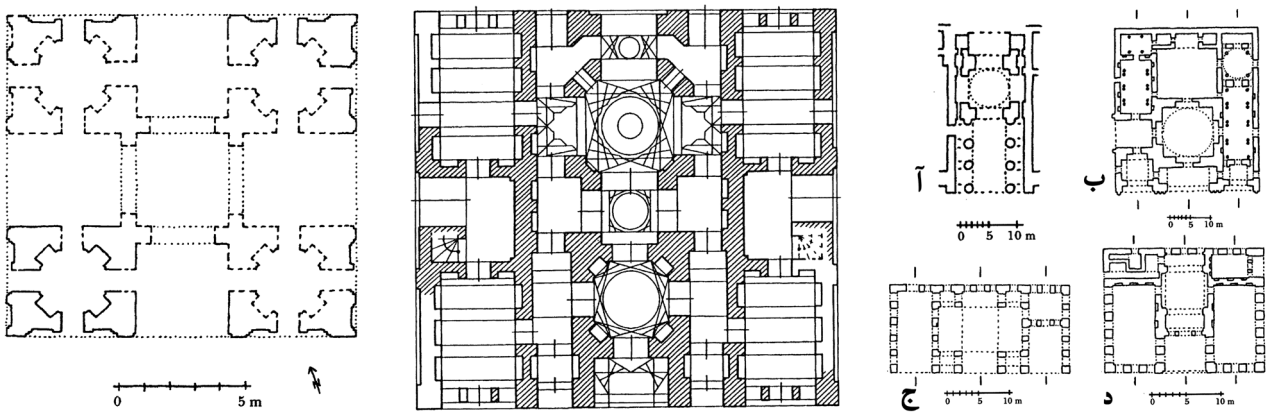

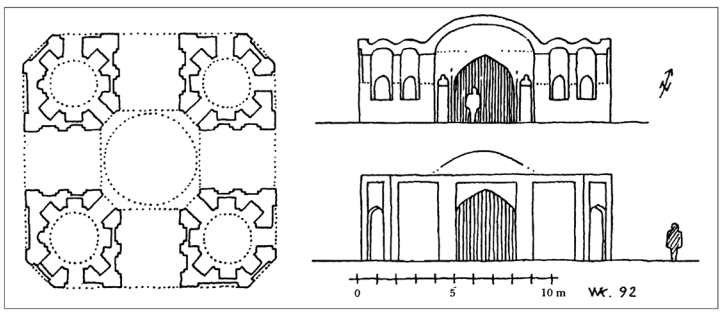

ت ۱. (راست، بالا) (آ) بنایی ساسانی در دامغان؛ (ب) کاخ ساسانی سروستان؛ (ج) کاخ صفوی تالار اشرف در اصفهان؛ (د) کاخی نزدیک نطنز با ترکیب سه‌بخشی و محورهای موازی

ت ۲. (وسط، بالا) پلان کاخ علی‌آباد در نزدیکی فُرک [در استان فارس]

ت ۳. (چپ، بالا) اصفهان، کوشک صفوی در شرق هشت‌بهشت، اصفهان

ت ۴. (پایین) کوشکی در ارگ بم

لازم است که بر تشابه نظام سازمان‌دهی سه‌بخشی در بنای سروستان و کاخهای قرن یازدهم/ هفدهم تأکید کنیم. این هم که در محوطهٔ اطراف بنای گنبددار سروستان فقط سفالینه‌های دوران اسلامی را می‌توان یافت اهمیت دارد. صرف‌نظر از تاریخ ساخت کاخ سروستان، از آن زمان تا دوران اسلامی از آن، بدون تغییر مهمی در معماری‌اش، استفاده می‌شده است.

در پلان بسیاری از کوشکهای صفوی، می‌توان [الگوی] کاخ آپادانای هخامنشی را، با چهار ایوان رو به بیرون آن و چهار مجموعه اتاق در کنجهایشان، تشخیص داد؛ مانند کوشکی در شرق هشت‌بهشت اصفهان (ت ۳) که بخشهای باقی‌مانده‌اش، پیش از آنکه کل بنا سالها پیش یکسره از میان برود، ثبت شد. این شکل در کوشک متعلق به اواخر صفویه‌ـ اوایل قاجاریه در ارگ بم نیز دیده می‌شود (ت ۴).

انواعی از این پلان محوری‌ـ چلیپایی در خدمت کارکردهای گوناگون در سنّت ساختمان‌سازی ایرانی پدید آمد. کاخ قبل از هر چیز برای دربار بود. کوشکهای سلطنتی در شهرها به باغهای وسیع، نواحی روستایی مجاور، یا دست‌کم به باغی کوچک متصل بود؛ مانند چهل‌ستون و هشت‌بهشت در اصفهان. نقشه‌ها و کارکردهای این بناها به‌خوبی شناسایی شده است و در اینجا دربارهٔ جزئیات آنها بحث نمی‌شود.[۶]

همچنین در نواحی روستایی، خانه‌های متعلق به مالکان ثروتمند و خانه‌های اعیانی دربار وجود داشت که از نام یا مقام صاحبان آنها چیزی نمی‌دانیم؛ از جمله بنایی خشتی در عباس‌آباد، در شمال نطنز در جادهٔ قدیم نطنزـ کاشان (ت ۵)، که روی پی‌ای از قلوه‌سنگ قرار دارد و در طرح آن همچنان از نظام سازمان‌دهی سه‌بخشی استفاده شده است.[۷] این بنا نمونهٔ بارزی از تالار گنبددار یک‌طبقه است که قسمتی از آن را با زدن سقفی در میان آن به دو طبقه تقسیم کرده و فضای زندگی و انبار را از هم جدا کرده‌اند. این بنا به سوی حوض و باغ مستطیل‌شکل پلکانی‌ای رو کرده است. بر محور اصلی باغ، بر فراز تلی از خاک، سروی قرار دارد که بر باغ مشرف است.

عمارت تاج‌آباد،[۸] در جادهٔ کاروان‌رو اصفهان‌ـ نطنز، نیز متعلق به این گروه است (ت ۶). این بنا در باغی بزرگ، دارای حوض و فواره، قرار دارد و به زمینی زراعی متصل است. این مجموعه حمامی با منشأ صفوی را نیز در بر دارد. ساختار سه‌بخشیِ ساختمان اصلی محوری‌ـ چلیپایی است. اتاقها را با گچ رنگی تزیینی مجلل کرده‌اند و برخی از آنها گنبد دارد. کاملاً پیداست که دیگر بنای گنبددار درون باغ مجموعهٔ تاج‌آباد (ت ۷) از ابتدا شکل چلیپایی بسیار منتظمی داشته است، هرگز پایان نیافته، و معماری‌اش طی سالها بسیار تغییر کرده است.

در اصفهان، کاخها و کوشکهایی با اندازه‌ها و کارکردهای گوناگون وجود داشته که در طول زمان خراب شده است. تالار اشرف یکی از آنهاست، که

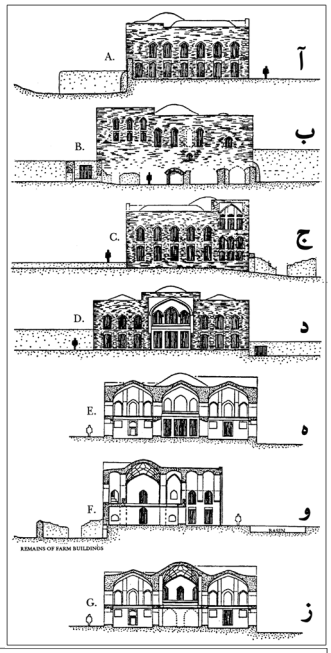

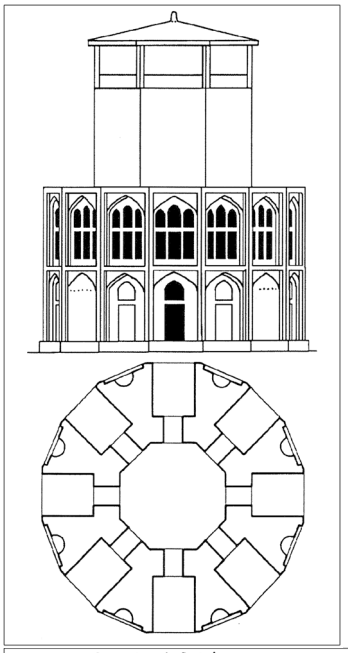

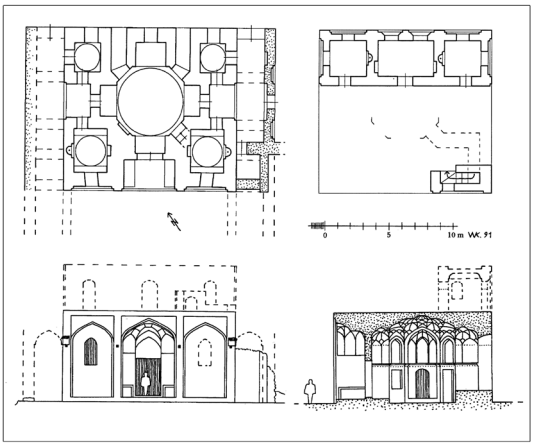

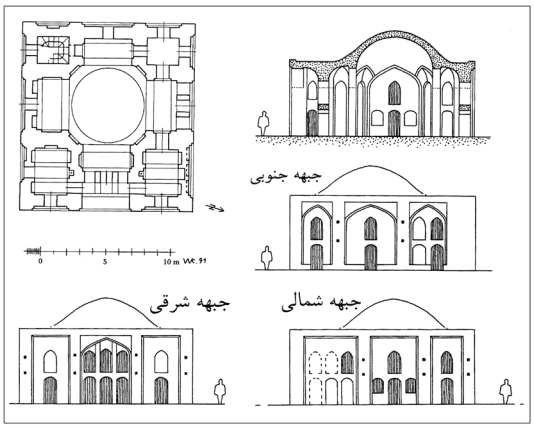

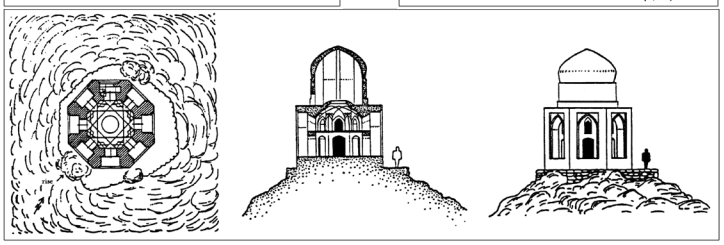

ت ۵. (راست، بالا) عباس‌آباد، شمال نطنز. (آ) دید از غرب؛ (ب) دید از شمال همراه با بقایای ساختمانهای مزرعه؛ (ج) دید از شرق؛ (د) دید از جنوب (کنار باغ)؛ (ه) برش از تالار و ایوان؛ (و) برش از محور اصلی؛ (ز) برش عرضی از فضای گنبدین

ت ۶. (چپ، بالا) کاخ تاج‌آباد. (بالا) پلان همکف و طبقهٔ بالا؛ (پایین) برش طولی از جلو جبههٔ جنوبی

ت ۷. (چپ، پایین) تاج‌آباد، بنای گنبدین، پلان و برش

ت ۸. (وسط، بالا) اصفهان، کوشک باغ گُل، برگرفته از انگلبرت کمپفر

ت ۹. (راست، پایین) نطنز، گنبد باز.

(2) Engelbert Kaempfer

آرایش سه‌بخشیِ محوری- چلیپایی داشته، شبیه به بنای علی‌آباد نزدیک فُرک (ت ۲) یا کوشک جهان‌نما[9] در انتهای شمالی چهارباغ، که در توسعهٔ دوران مدرن قربانی شد. نمای این کوشک را فقط از طریق عکسهای قدیمی می‌توان دریافت.

نوع خاصی از پلان مربوط به کوشک هشت یا شانزده‌گوش، مانند باغ گُل اصفهان، است (ت ۸) که فقط در تعدادی از ترسیمات اِنگلبرت کمپفر[2]، که هیئت نمایندگان اروپا را در دربار صفوی در۱۶۸۴- ۱۶۸۵ همراهی می‌کرد، شناسایی شده است.[10] کوشک دیگری از این نوع (که هنوز هم وجود دارد) بنای هشت‌گوش برج‌شکلی است [به نام بقعهٔ باز] که از دوردست می‌توان آن را بر فراز کوه مخروطی پرشیبِ بالای نطنز (ت ۹) دید.[11] این بنا کوشک شاهیِ شکار بود که پادشاه در هنگامی که برای شکار بزهای کوهی فراوان، در اطراف نطنز اقامت می‌کرد از آن استفاده می‌کرد. با این حال، شاید بهتر باشد آن را، به علت وضع بی‌حفاظ و گنبد بیرونیِ بلند برج‌شکلش، میل، یعنی نشانه‌ای برای کاروانها، بشماریم.

حجم بیرون‌زده در وسط پل خواجوی اصفهان [یا عمارت بیگلربیگی]، که به شکل کوشکی در دو سوی معبر طراحی شده، نقش فضایی تفریحی را نیز بازی می‌کرده است؛ مانند کوشک ازمیان‌رفتهٔ آیینه‌خانه در ساحل زاینده‌رود اصفهان. این کوشک نیز، مانند پل خواجو، در زمرهٔ بهترین آثار هنر و معماری صفوی قرار می‌گیرد.[12]

کاخ ویران‌شدهٔ فرح‌آباد، در ساحل دریای مازندران، از سکونتگاههای معروف تابستانی شاهان صفوی در نزدیکی این دریاست، که شاید مانند کاخ جهان‌نما (ت۱۰) بتوان شکل بیرونی‌اش را به کمک ترسیمات قرن سیزدهم/ نوزدهم بازسازی کرد. حجم کلی‌اش مکعب مستطیل است و نمایش به طور متقارن به پنج قسمت شده است. دو قسمت طرفین این نما از سه قسمت میانی کم‌عرض‌تر است. بخش میانی عریض‌تر و در نتیجه، شاخص‌تر است. به‌رغم تغییرات اخیر بنا،

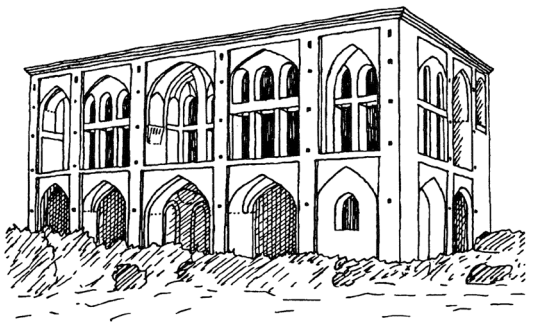

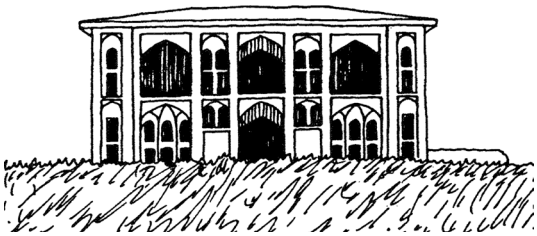

به برکت عکسهای قدیمی می‌توان هردو کاخ صفی‌آباد (ت ۱۱، آ و ب) و صاحب زمان در اشرف/ بهشهر را بازسازی کرد (ت ۱۲). عکسها بنایی مکعبی را نشان می‌دهد که نمایش سه قسمت اصلی دارد.

در طول راه شاهیِ اصفهان تا محل کاخهای نواحی روستایی دریای مازندران، شش کاخ بین‌راهی به دست ما رسیده است (ت ۱۳). برخلاف کاخهای دو یا چندطبقهٔ اصفهان و کاخهای دوطبقهٔ ساحل مازندران، این کاخها فقط یک طبقه دارد و بیشتر آنها دارای حیاط میانی است؛ درست مانند کاروان‌سراهایی که غالباً نزدیک آنها قرار گرفته است. کاخهای دُمبی و سفیدآب و گرماب (ت ۱۴) هریک دو حیاط دارد، که طرح کاروان‌سراهای سلطنتی دورهٔ سلجوقی در ایران و آناتولی را به‌یاد می‌آورد. تالارها و حجره‌هایی در پیرامون حیاطها قرار گرفته و به واسطهٔ رواق به حیاطها مرتبط می‌شود. این تالارها، با ورودیهایی در طبقهٔ همکف و یک ردیف پنجره در بالای آنها، از نظر معماری طوری طراحی شده است که از بیرون دوطبقه بنماید؛ اما درون آنها فقط یک طبقه، با دیوارهای طراحی‌شده در دو تراز، دارد. سقف اتاقها از طاق و گنبدهایی کوچک در میان آنهاست. در میانهٔ هر نما ایوانی نهاده و مانند کاروان‌سراهای صفوی، از نظر معماری بر این میانه تأکید کرده‌اند. برخی، مانند سفیدآب، ورودیهایی غیرمستقیم دارد که مانع دید افراد از حیاطی به حیاط دیگر می‌شود. در نتیجه،یکی از حیاطها چون

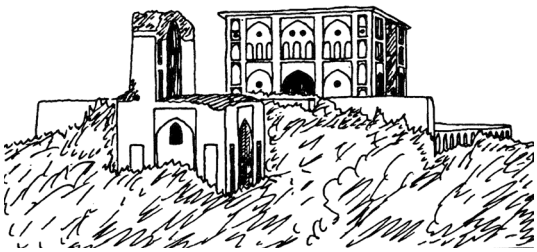

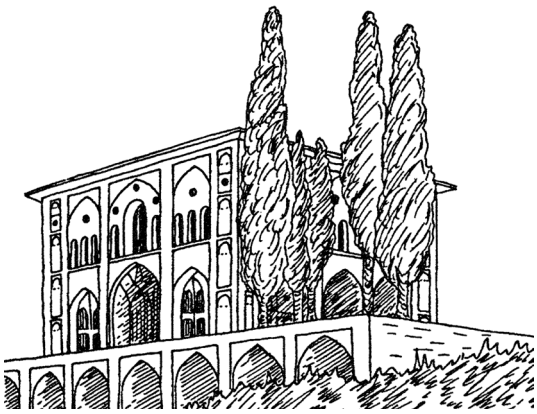

بیرونی (سلامِلق) و دیگری چون اندرونی (حَرَملق) عمل می‌کند. چه بسا کاروان‌سراهای بزرگ در طول راههای تجاری مهم که برای اسکان جداگانهٔ ملازمان خانوادهٔ سلطنتی و سفیران خارجی دو حیاط و چند حجره در یک یا دو کنج داشته است. این ترکیب را در کاروان‌سراهای هردو دورهٔ صفویه و قاجاریه می‌توان یافت.

در طول شاهراههای دیگر نیز کوشکهای کوچکی ساخته بودند که استراحتگاه و منزلگاه مناسبی برای شکار بود. کوشک علی‌آباد[۱۳] (ت ۲)، با یک طبقه و نُه حجره در اندازه‌های مختلف، نمونه‌ای از این بناهاست که بر صفه‌ای سنگی به ابعاد ۱۶/۷× ۱۷/۵ متر قرار گرفته و برای اسکان همهٔ ملازمان سلطان بسیار کوچک است. می‌توان چنین تصور کرد که همراهان امیر در خیمه‌هایی در محوطهٔ محصور اطراف کوشکِ سنگی به‌سر می‌بردند و فقط امیر و نزدیک‌ترین ملازمانش به کوشک وارد می‌شدند. متأسفانه همهٔ نشانه‌های احتمالی چنان محوطهٔ محصوری بر اثر کشاورزی از بین رفته است. حجره‌های گنبدین میانی کوشک علی‌آباد طاقهایی تزیینات مجلل رسمی‌بندی و شمسه دارد؛ اما وضع حفاظت آنها چندان ضعیف است که نمی‌توان نقاشیها و دیگر تزیینات طاق آنها را نشان داد.

ت ۱۰. (راست، بالا) کاخ جهان‌نما، فرح‌آباد، بازسازی تصوری از روی تصویر برگرفته از H. L. Robino, *Les provinces caspiennes de la Perse*, pl. 97.

ت ۱۱ آ. (چپ، بالا) کاخ صفی‌آباد، سردر، برگرفته از Robino, *Les provinces caspiennes de la Perse*, pl. 88.

ت ۱۱ ب. (چپ، پایین) کاخ صفی‌آباد، بنای نشسته بر صفه، برگرفته از Robino, *Les provinces caspiennes de la Perse*, pl. 94.

ت ۱۲. (راست، پایین) کاخ صاحب زمان در اشرف/ بهشهر، برگرفته از Robino, *Les provinces caspiennes de la Perse*, pl. 93.

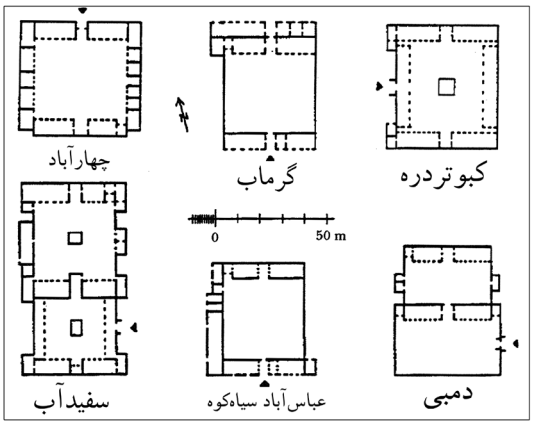

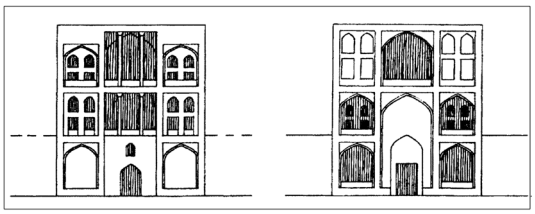

ت ۱۳. (راست، بالا) شش کاخ بین راهی در راه شاهی، برگرفته از Kleiss, *Die Entwicklung von Palästen und palastartigen Wohnbauten in Iran*, fig. 64.

ت ۱۴. (چپ، بالا) کاخ گرماب. (از بالا به پایین:) برش طولی از بنای اصلی؛ نمای حیاط؛ برش طولی از کل بنا؛ دید به نمای بیرونی، برگرفته از Kleiss, *Die Entwicklung von Palästen*, fig. 65.

ت ۱۵. (راست، پایین) کاشان، بازسازی سردر کاخ صفوی، برگرفته از Hüls and Hoppe, *E. Kaempfer zum 330*, pl. 24.

ت ۱۶. (چپ، پایین) قزوین، سردر کاخ عالی‌قاپو، تصویر بازسازی‌شده برگرفته از Hüls and Hoppe, *E. Kaempfer zum 330*, fig. 13.

کاخهای صفوی در اصفهان و قزوین و کاشان دیوارهایی در پیرامون و سردرهای مجللی خاص خود دارد. برای سردر از بناهای گوناگونی استفاده شده است. در عالی‌قاپوی اصفهان،[۱۴] بر فراز مدخل پرشکوه عمارت، تالار نیمه‌بازی با ستونهای چوبی نشسته است. سردرهای کاخ و باغ فین در کاشان،[۱۵] چنان‌که طرحهای دستی انگلبرت کمپفر نشان می‌دهد، بسیار به هم شبیه‌اند (ت ۱۵). طرح نمای هردو بنا سه‌بخشی است. طرح سردر بسیار دگرگون‌شدهٔ دولت‌خانهٔ قزوین را، که نام آن نیز عالی‌قاپو[۱۶] بوده، می‌توان با استفاده از یکی از ترسیمات کمپفر بازسازی کرد (ت ۱۶). نمای این بنا، مانند حیاط مساجد و کاروان‌سراها، طاق و طاق‌نما دارد.

مصالحی که برای ساخت این بناها به‌کار رفته از خشت خام و آجر (که روی پیِ سنگی قرار گرفته) تا لاشه‌سنگِ آمیخته با ملاط آهک، سنگ چهارتراش، و چوب، متغیر است. بیشتر طاقهای سنگی یا خشتی را با نقاشی و گچ‌بری و مقرنسِ کاشی تزیین مجللی کرده‌اند. برای طرح داخل بناهای مهم، بیشتر اوقات از ستونهای چوبی حکاکی‌شده و سرستونهای چوبی، سقف تختِ چوبی رنگ‌آمیزی‌شده، نگارگری روی دیوار و سقف، و مقرنس رنگین استفاده می‌کردند. این تزیینات را می‌توان در عالی‌قاپو و دیگر کوشکهای باقی مانده در اصفهان و همچنین کاخهای کوچک‌تری یافت که نمونه‌ای از آنها در تاج‌آباد و نمونه‌های دیگر آن در شهر نایین هست.[۱۷]

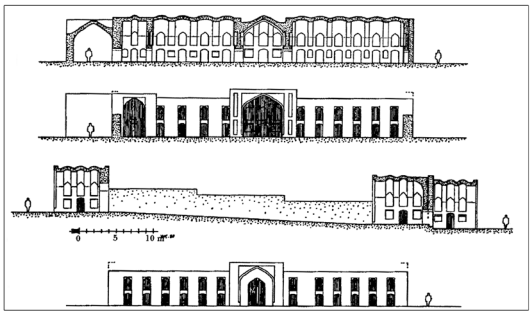

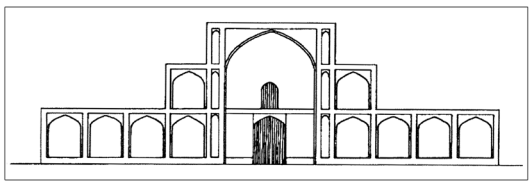

دیوارهای بیرونیِ کاخها و کاروان‌سراها و بناهای دینی دورهٔ صفویه، در مقایسه با فضاهای داخلی پرتزیینشان، کمتر تزیین شده است؛ اما این تزیینات به‌خوبی با نماهای تقسیم‌شدهٔ آنها تناسب دارد. عناصر سازه‌ایْ هم‌زمان کاربرد تزیینی نیز دارد. طرح‌ریزی ساختمانهای مجلل صفوی معمولاً از همتاهای قاجاریِ جدیدترشان، که به تکلف در طراحی تمایل دارد، موزون‌تر است؛ اگرچه همچنان به سنت ساختمان‌سازی ایران باستان به‌جد وفادار است.

کاخ، مانند بناهای دینی، در معماری مناطقی که صفویان تصرف کردند و مدتی در آنها حکم راندند تأثیر گذاشت. معماری اسلامی ایران پیش از دورهٔ صفویه نیز در معماری کشورهای همسایه تأثیر گذاشته بود. چینیلی‌کوشک (کوشک کاشی) سلطان محمد دوم در کاخ توپ‌قاپی استانبول، که در سال ۱۴۷۲م تکمیل شد، مثال مشهوری است.[۱۸] هنر ساختمان‌سازی صفوی در معماری کاخهای گرجستان نیز، پس از تصرف آن به دست صفویان، اثر گذاشت. [این موضوع] را در کاخهای پالاواندیش‌ویلی[۳] در ساگینا[۴] نزدیک تفلیس، که در قرن دهم/ شانزدهم ساخته شده است، نیز می‌توان دید. این بنا را می‌توان با کوشکهای صفوی در طول راه شاهیِ اصفهان تا دریای مازندران مقایسه کرد. در همان اوایل قرن دهم/ شانزدهم در سرای شاه ناردران در قفقاز، عناصر خاص کوشکهای متأخر صفوی، هم در پلان و هم در نماها، ظاهر شده است.[۱۹]

در بناهای صفوی، نشان تأثیرات خارجی را به‌سختی می‌توان تشخیص داد؛ به‌استثنای طرح داخلی

(3) Palavandishvili
(4) Sagina

معماری کاخها، که در آنها تزیینات نقاشیِ متأثر از اروپا به‌وفور به کار رفته است. مثلاً در دیوارنگاره‌های چهل‌ستون اصفهان، ملازمانی از هر دو جنس مرد و زن با لباسهای معمول قرن هفدهم اروپا تصویر شده‌اند.[۲۰] تا پیش از دورهٔ قاجاریه، این تأثر چندان آشکار نبود. در آن دوره بود که تأثیر معماری اروپایی بیش از پیش در عناصر طراحی داخلی، مانند بیانی محلی از ستونها و سرستونهای کلاسیک و آینه، آشکار شد.[۲۱] به هر حال، این بناها، به رغم درآمیختن سریع با عناصر خارجی، به سنت محلیِ بسیار دیرینهٔ معماریِ کاخ تداوم بخشید. □

کتاب‌نامه

Berides, W. *Die Baukunst des Mittelaltres in Georgien*, Berlin, 1981.

Bier, Lionel. *Sarvistan: A Study in Early Iranian Architecture*, Penna, University Park, 1986.

Gink, K. *Azerbaidjen*, Hanan, 1980.

Hüls, Hans and Hans Hoppe. *E. Kampfer zum 330, Geburtstag*, Lemgo, 1982.

Kleiss, Wolfarm. "Der Safavidische Pavilion in Qazvin", in: *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 9, 1976, pp. 290- 298.

———— . *Die Entwicklung von palästen and Palastartigen Wohnbauten in Iran*, vienna, 1989, fig. 67.

———— . "Schloss Aliabad bei Furk in Fars", in: *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 24, 1991, 261f.

———— . "Schlösser und Herrensitze auf dem Lande aus Safavidischer und Qadjarischer zeit", in: *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 20, 1987.

Pope, Arthur Upham and Phyllis Ackerman (eds.). *A Survey of Persian Art*, Tokyo, 1967.

Rabino, H. L. *Les Provinces Caspiennes de la Perse*, Paris, 1917.

Scarce, J. M. "The Royal Places of the Qajar Dynasty: A Survey", in: *Qajar Iran*, ed. C. E. Bosworth and Carol Hillenbrand, Edinburgh, 1984, pp. 329-351.

Stierlin, Henri. *Ispahan*, Geneva, 1976.

Würfel, Kurt. *Isfahan nisf-i- dchahan, das ist die Hälfte der Welt*, Zurich, 1974.

Yeltkin, S. K. *Islam Mimarii*, Ankara, 1959.

پی‌نوشتها:

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Wolfram Kleiss, "Safavid palaces", in: Gulru Necipoglu (ed.), *Ars Orientalis*, vol. 23 (1993), pp. 269-280.

2. e_tahmasbi61@yahoo.com

۳. دربارهٔ قزوین، نک:

Wolfram Kleiss, "Der Safavidische Pavillon in Qazvin", pp. 290-298.

4. Pope and Ackerman (eds.), *A Survey of Persian Art*, vol 2, p. 536 f.; Lionel Bier, *Sarvistan: A Study in Early Iranian Architecture*.

5. Wolfram Kleiss, "Schloss Aliabad bei Furk in Fars", p. 261 f.

6. Kurt Würfel, *Isfahan nisf-i-dschahan*, pp. 147-54, 160-65.

7. Wolfram Kleiss, "Schlösser und Herrensitze auf dem Lande aus Safavidischer und Qajarischer Zeit", pp. 345 f.

۸. من اندازه‌های بنای تاج‌آباد را برداشت کرده‌ام؛ اما نتایج آن را هنوز منتشر نکرده‌ام.

۹. در متن اصلی، viewing pavilion ذکر شده است که ظاهراً مقصود کوشک جهان‌نماست. ـــ م.

10. Hans Hüls and Hans Hoppe, *E. Kaempfer zum 330. Geburtstag*, fig. 32.

11. Kleiss, "Schlösser und Herrensitze", pp. 365 f.

12. Henri Stierlin, *Ispahan*, pp. 72 f.

13. Kleiss, "Schlösser und Herrnsitze", pp. 358 f.

14. Würfel, *Isfahan*, pp. 118 f.

15. Kleiss, *Die Entwicklung von Palästen und palastartigen Wohnbauten in Iran*, fig. 67.

16. Kleiss, *Die Entwicklung von Palästen*, fig. 45.

۱۷. دربارهٔ نایین، نک:

S. K. Yetkin, *Islam Mimarii*, p. 421

برای کتاب‌شناسی بیشتر، نک: مقالهٔ برنارد اوکین در *Ars Orientalis*, no. 23 (1993).

18. W. Beridse, *Die Baukunst des Mittelalters in Georgien*, pp. 237 f.

19. K. Gink, *Azerbaidjan*, pp. 52 f.

۲۰. برای دیوارنگاره‌ها در اصفهان و کتاب‌شناسی بیشتر، نک: مقالهٔ گل‌رو نجیب‌اوغلو در: (*Ars Orientalis*, no. 23 (1993.

۲۱. برای کاخهای قاجاری، نک:

J. M. Scarce, "The Royal Palaces of the Qajar Dynasty: A Survey".